

سرقت ادبی عبدالواسع جبلی از دیوان سنایی

محسن شریفی صبحی^۱

دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی^۲

چکیده

سرقت ادبی موضوعی است که از گذشته تا امروز دامنگیر شاعران و نویسندگان بوده و در بین کسانی که توانایی آفرینش اثری درخور و شایسته نداشته‌اند، رواج داشته است؛ حتی شاعران بزرگ و نام‌آور نیز گاه مرتکب سرقت ادبی شده‌اند. در این جستار ضمن نشان دادن شواهد و نمونه‌ها، سرقت‌های ادبی عبدالواسع جبلی، شاعر نامی قرن ششم از دیوان سنایی غزنوی، شاعر بزرگ هم‌دوره او، واکاوی شده است. در این بررسی به این نتیجه رسیده‌ایم که تمام انواع سرقات و به‌خصوص "انتحال" و "اغاره" را در دیوان عبدالواسع جبلی می‌توان دید. وی قطعاتی از شعر سنایی را در بیشتر قالب‌های ادبی و بخصوص قالب قصیده و غزل، سرقت کرده است. **کلیدواژه‌ها:** سرقت ادبی، عبدالواسع جبلی، سنایی، انتحال، اغاره، استقبال.

مقدمه

سرقت ادبی^۳ به انتشار اثر ادبی یا اندیشه دیگری به نام خود اطلاق می‌شود (گری، ۱۳۸۲: ۲۵۰) و مقصود از آن، دزدی‌ها و اقتباس‌های دزدانه شعرا از یکدیگر است که از دیرباز معمول بوده است (همایی، ۱۳۶۸: ۳۴۷) و در کتاب‌های بدیعی به آن پرداخته‌اند. "سرقت آثار و آرای دیگران قدمتی چند صد ساله دارد. به همین جهت از قرن‌ها پیش، محققان و اندیشمندان کوشیده‌اند تا مرز میان

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مشهد (نویسنده مسئول)

mohsensharifi66@yahoo.com

۲- دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد dandritic2001@yahoo.com

۳- plagiarism

نگارش اصیل از یک سو و اقتباس و تقلید و عاریت گرفتن و انتحال و امثال آن را از سوی دیگر معین کنند" (پاینده، ۱۳۸۵: ۲۶۵).

سرقت ادبی انواعی دارد که در کتب مختلف تقسیم بندی‌های گوناگونی داشته، اما این تقسیم‌بندی‌ها در کلیت و تعریف با هم اشتراک دارند؛ شمس قیس رازی، صاحب کتاب *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، سرقت ادبی را به چهار دسته تقسیم کرده است: "و باید دانست کی سرقات شعر چهار نوع است: انتحال و سلخ و المام و نقل" (قیس رازی، ۱۳۳۸: ۴۶۴). سرقات ادبی در فرهنگ *ادبیات فارسی* به پنج بخش تقسیم شده‌اند: نسخ یا انتحال، مسخ یا اغاره، سلخ، المام و نقل (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۹۲)؛ اما همایی در یازده بخش به تفصیل به آن پرداخته است: نسخ یا انتحال، مسخ یا اغاره، سلخ یا المام، نقل، شیدای و دغل کاری، حل، عقد، ترجمه، اقتباس، توارد، تتبع و تقلید (همایی، ۱۳۶۸: ۳۵۷). همایی پنج مورد اول را ارکان اصلی سرقات ادبی و بقیه را از فروع آنها دانسته است. می‌توان بارزترین و شایع‌ترین نوع سرقات ادبی را "انتحال" و "اغاره" دانست که همایی آنها را این گونه تعریف کرده است:

۱- نسخ یا انتحال: در اصطلاح آن است که گفته یا نوشته دیگری را عیناً، حرف به حرف و بی کم و زیاد و بدون تصرف و تغییر یا با اندک تصرفی که از حدود تغییر تخلص شعری و نام کتاب و مؤلف تجاوز نمی‌کند، به خود نسبت دهند (همان: ۳۵۸).

۲- مسخ یا اغاره: در اصطلاح آن است که اثر دیگری را از لفظ و معنی بردارند و در آن به تقدیم و تأخیر کلمات و بسط عبارات یا نقل کردن به مرادفات و امثال این امور، تصرف کنند (همان: ۳۶۱). آرای همایی در باب سرقات ادبی حاصل تلفیق نظریات محققین سده‌های هفتم و هشتم هجری است؛ کسانی مانند جلال الدین خطیب قزوینی صاحب *تلخیص المفتاح* و تفتازانی صاحب *مطول*. تفتازانی در شرحی که بر *تلخیص المفتاح* خطیب قزوینی نوشته است در بحثی تحت عنوان "فی السرقات الشعریه و ما يتصل بها و غیر ذلک" به تفصیل در این باره مطالبی آورده است (۱۳۳۰: ۴۶۲ و نیز: تفتازانی، ۱۳۶۹: ۲۱۹).

بیان مسأله

در این جستار، با بررسی دیوان عبدالواسع جبلی و سنایی غزنوی به اشعار زیاد و قابل توجهی برخورد کردیم که در دیوان دو شاعر مشترک است؛ عدم وجود پژوهشی که به سرقت ادبی جبلی از سنایی پرداخته باشد و نیز بسامد بالای این اشعار، انگیزه پرداختن به موضوع سرقت ادبی در دیوان عبدالواسع جبلی شد. در جستجوهای صورت گرفته درباره اشتراکاتی که در دواوین جبلی و سنایی موجود است، تقریباً تمام انواع سرقت‌های ادبی را می‌توان یافت، اما طبق تعریفی که از سرقات ادبی در پی خواهد آمد، انتحال و اغاره را می‌توان بارزترین نوع سرقات ادبی دانست که در دیوان عبدالواسع جبلی به وفور یافت می‌شود.

پرسش‌ها و اهداف تحقیق

۱- دلایل تکرار و یکسانی اشعار در شعر این دو شاعر چیست؟

۲- اشتباه نساخ تا چه حد در شباهت‌های موجود تأثیر داشته است؟

۳- چه دلایلی دال بر سرقت ادبی در این آثار وجود دارد؟

هدف از نگارش این مقاله یافتن پاسخ‌هایی قانع کننده برای پرسش‌های بالا بوده است. در این مقاله با دلایلی که ارایه خواهد شد، سرقت ادبی آگاهانه و عامدانه جبلی از سنایی را نشان داده ایم؛ با در نظر گرفتن این نکته، که گاه اتفاق می‌افتد که سخن دو شاعر بی آن که از اثر یکدیگر خبر داشته باشند، نظیر هم می‌شود. علمای بلاغت این گونه موارد تواردی را در نظر داشته و معتقدند که بسیاری از مفاهیم رایج و شایع در اختیار همگان است، چنان که سعدالدین تفتازانی نظر عبدالقاهر جرجانی را از کتاب *دلائل الاعجاز* آورده و نوشته است: معانی پیش پا افتاده است و عجم و عرب و روستایی و بیابانی آن را می‌شناسند (تفتازانی، ۱۳۳۰: ۲۸). بدون شک بسیاری معانی و حتی تصویرهای شاعرانه را باید در حوزه معانی و تصاویر مشترک قرار داد. قاضی جرجانی نیز در *الوساطه* می‌گوید: چون

بنگری، خواهی دید که مانند کردن زیبایی به خورشید و ماه و... همه اموری است که در نفوس متقرر است و در عقول نقش بسته و تصور سرقت در این موارد متغی است (جرجانی، ۱۹۵۱: ۱۸۳).

مدخل

صحیح‌ترین زمان فوت سنایی را سال ۵۴۵ هجری قمری دانسته‌اند (فروزانفر، ۱۳۶۹: ۲۶۰)؛ با توجه به این مسأله، که جبلی ۱۰ سال پس از سنایی در گذشته است، (جبلی، ۱۳۷۸: هفده) ممکن است به نظر برسد، سنایی اشعار جبلی را سرقت کرده باشد؛ چنان که شمس قیس رازی در المعجم فی معاییر اشعار العجم شعر زیر را با مطلع:

کرد رخت صف زده است لشکر دیو و بری ملک سلیمان تراست کُم مکن انکشتی^(۲)

(قیس رازی، ۱۳۳۸: ۴۶۴ و ۴۶۷)

از سنایی و عمادی شاهد می‌آورد که یکی از آنها مرتکب انتحال شده است، اما به دلیل هم‌عصر بودن دو شاعر نمی‌توان گفت کدام سابق و کدام غاصب است.

سنایی به دفعات امانتداری خویش را ثابت کرده است و حتی اگر شعری از شعرای نه چندان معروف را استقبال کرده، نام شاعر را در شعر خود ذکر کرده است که به نمونه‌هایی از این نوع اشاره می‌شود:

مینوی در یادداشت‌های خود ذیل بوسعید شاعر، که مقدم بر سنایی بوده، آورده است:

جواب آن غزل خواجه بوسعید است این مرا دلی است که با عافیت نیامیزد

بیت بالا در دیوان سنایی، چاپ مصفا، صفحه ۴۱۶ آمده است (مینوی، ۱۳۷۵: ۱۳۰).

همچنین مینوی ذیل کیوانی شاعر آورده است:

گفت این شعر سنایی که چو کیوانی گفت روشنی عالم جز از فلک گردان نیست

بیت بالا در دیوان چاپ مدرس رضوی، صفحه ۹۰ موجود است (همان: ۳۰۰).

تأثیر گذاری سنایی بر ادبیات دوره خود، بعد از خود و شعرای دیگر امری پوشیده نیست؛ شادروان فروزانفر (۱۳۶۹: ۲۵۶) در این باره می‌نویسد: "دانایی بزرگ چون استاد حقیقت بین شرق، جلال‌الدین مولوی بلخی رومی، به حسن بیان و پختگی فکر وی اذعان و اعتراف کرده و می‌فرماید:

ترک جوشی کرده‌ام من نیم خام از حکیم غزنوی بشنو تمام

در الهی نامه گوید شرح این آن حکیم غیب و فخر العالمین
 علاوه بر این، شاعران بارها به استقبال اشعار سنایی رفته‌اند؛ برای مثال به زعم مینوی، قصه پیرزن
 و سلطان سنجر، که نظامی گنجوی به آن پرداخته، ظاهراً تقلید از قصه‌ای در حدیقه سنایی است.
 (چاپ بمبئی: ۳۵۷، به نقل از: مینوی، ۱۳۷۵: ۳۵۶)؛ همچنین مأخذ بسیاری از قصص مثنوی معنوی
 مولوی را می‌توان در آثار سنایی جست؛ به دو نمونه از چندین مثالی که فروزانفر به آنها اشاره کرده
 اکتفا می‌شود:

پیش عطاری یکی گل خوار رفت تا خرد ابلوج قند خاص زفت
 فروزانفر (۱۳۸۷: ۳۵۷) مأخذ آن را حکایتی از حدیقه سنایی با مطلع زیر دانسته است:
 بود در شهر بلخ بقالی بی کران داشت در دکان مالی
 فروزانفر (همان: ۲۱۰) همچنین معتقد است که بیت:
 گفت موسی با یکی مست خیال کای بداندیش از شقاوت وز ضلال
 ظاهراً از مضمون بیت زیر ساخته شده است:
 گاو را دارند باور در خدایی عامیان نوح را باور ندارند از پی پیغمبری
 نه تنها متقدمان، بلکه معاصران نیز از دیوان سنایی بهره برده‌اند. مینوی ذیل "دهخدا" آورده
 است:

دهخدا در شعر "ان شاء الله گربه است" مصراع "از یکی خم برآورده ده رنگ" را از سنایی
 برده است. (حدیقه، چاپ بمبئی: حاشیه ۱۷؛ چاپ مدرس رضوی: ۸۰، س ۶ به نقل از: مینوی، ۱۳۷۵:
 ۱۷۳).

در دیوان عبدالواسع جبلی، شاعر هم‌دوره سنایی، که مستوفی او را معاصر سلطان سنجر خوانده
 است (مستوفی، ۱۳۸۷: ۷۴۰) و ابو سعد سمعانی متوفی در ۵۶۲ هجری در مشیخه، ولادت وی را "
 فی حدود سنه ثمانین و اربعمائه " ذکر کرده است (به نقل از: فروزانفر، ۱۳۶۹: ۳۱۲)، به اشعاری
 برمی‌خوریم که گاه تمام و گاهی قسمتی از آن در دیوان سنایی نیز یافت می‌شود که به زعم
 نگارندگان این مقاله می‌توان آنها را مصداقی بارز برای انتحال و اغاره دانست که در دیوان جبلی با
 بسامد بسیار بالایی وجود دارند و همین بسامد بالا یکی از دلایلی است که احتمال اشتباه ناسخین را

کم رنگ می‌کند؛ همچنین تغییرات بعضی کلمات، تبدیل و تغییر ضمائر در شعر سنایی و سرقت باقی شعر او به وسیلهٔ جبلی، سرقت ترکیب‌های مخصوص سنایی که در دیوان وی مسبوق به سابقه است و حذف تخلص سنایی و انتحال و اغارهٔ دیگر ابیات شعر او، از موارد دیگری هستند که بدون شک، احتمال اشتباه ناسخین را بر طرف می‌کند که در جای خود به آنها می‌پردازیم.

فروزانفر، جبلی را از شعرای زبردست و توانا دانسته که بیشتر قدرت طبع خود را صرف صنایع بدیعی کرده و کمتر به مضامین شعری توجه کرده است. به زعم او، جبلی اساس فکر را فدای محسنات بدیعی کرده است. "... بدین جهت ابیاتش سراپا موازنه و مقابله و... شده و از این رو به نظر بعضی بزرگ آمده و از طراز اول شعرای فارسی محسوب گردیده است" (فروزانفر، ۱۳۶۹: ۳۰۹) در این باره صاحب هفت اقلیم می‌نویسد: "به تدریج کار او به جایی رسید که محسود همگان و اقران گردید" (امین رازی، بی تا: ۱۱۸) و عوفی او را "الامام الالهام" و "تاج الافاضل" خوانده است که "جبل فضل و هنر بود" (عوفی، ۱۳۶۱: ۱۰۴)؛ همچنین ذبیح الله صفا در مقدمهٔ دیوان جبلی او را از استادان مسلم و از نخستین پیشروان بزرگ تغییر سبک فارسی در قرن ششم دانسته که سبب تکامل شعر در قرن ۶ شده اند (جبلی، ۱۳۷۸: ۲۲).

فروزانفر در پایان شرح حال جبلی (فروزانفر، ۱۳۶۹: ۳۱۴) اشعاری از او آورده است؛ از جمله قصیده‌ای معروف و بحث بر انگیز با مطلع:

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا
وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا

که به نظر نگارندگان از آن جبلی نیست و او با سرقت آن قصیده از دیوان سنایی سعی کرده است قصیده را از آن خود کند. این قصیده همراه دیگر اشعاری که شائبهٔ سرقت آنها می‌رود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این جستار چگونگی بهره مندی جبلی از دیوان سنایی را به سه دسته تقسیم کرده‌ایم:

۱- استقبال و تأثیر پذیری ۲- تصرف کامل اشعار ۳- حذف تخلص و تصرف اشعار.

۱- استقبال و تأثیر پذیری

"در اصطلاح اهل ادب آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال؛ هر گاه در گرفتن

اثری از نظم و نثر شعرا و نویسندگان، قرینه و قصد اقتباس در کار نباشد، محل تهمت سرقت است" (همایی، ۱۳۶۸: ۳۸۴)؛ برای مثال می‌توان ذکر نام شعرایی را که سنایی از ایشان اقتباس کرده است، یکی از قراین اقتباس دانست که شبهه سرقت ادبی را از بین می‌برد؛ مثل:

هم بدین وزن ای پسر پور خطیب گنجه گفت نو بهار آمد نگارا باده گلنار کو
(سنایی، ۱۳۳۶: ۸۷۶)

خواهیم دید قرینه اقتباس، حتی در گروه اول (استقبال و تأثیر پذیری)، در اشعاری از جبلی که به ظاهر اقتباس می‌آیند، مشاهده نمی‌شود.

۱-۱- استقبال و تأثیر پذیری از ساختار اشعار سنایی

در دیوان جبلی ۱۴ مورد استقبال از شعر سنایی یافت شده است که انواع آن با شماره صفحه به شرح زیر است:

۱-۱- استقبال از وزن شعر: ۴۹۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۸، ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۴۱، ۵۷۸، ۵۸۹.

۱-۲: استقبال از ردیف و قافیه: ۲۸، ۴۹۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۸، ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۴۱، ۵۵۷، ۵۶۲.

۵۶۳، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۸، ۵۸۹.

۱-۳: استقبال از مضامین و ترکیب‌ها: ۴۹۷، ۵۱۰، ۵۱۸، ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۴۱، ۵۷۸، ۵۸۹.

همه مواردی که جبلی از شعر سنایی بهره مند شده و از آن استقبال کرده است، جز یک قصیده مدحی (جبلی، ۱۳۷۸: ۲۸ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۵۹ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۳)، غزل هستند که سه مورد آن همراه با حذف تخلص است.

هدف از ایجاد دسته اول و نمونه‌هایی که در پی خواهد آمد، نشان دادن تأثیر پذیری بسیار زیاد جبلی از دیوان سنایی و استقبال ناشیانه از اشعار اوست و جبلی در هیچ کدام، در قیاس با سنایی، موفق نبوده و به خوبی از عهده اقتباس و استقبال بر نیامده است؛ اما به اعتبار همین گروه از اشعار که تأثیر پذیری بسیار زیاد جبلی از دیوان سنایی و پیش روی داشتن دیوان وی را نشان می‌دهد، می‌توان اشعاری را که در گروه دوم و سوم می‌گنجد، سرقت ادبی آشکار جبلی از سنایی بدانیم. حضور جبلی در زادگاه سنایی و هم‌عصر بودن دو شاعر از دلایلی است که نشان می‌دهد جبلی به اشعار سنایی دسترسی داشته است. "عبد الواسع

جبلی چون به لطائف لسان عرب و دقائق فنون ادب نیک متفطن گشت و از تفسیر و حدیث و فقه و کلام بهره ای اندوخت از هرات به غزنین شد. ورود عبد الواسع به دار الملک غزنویان به سال ۵۰۶ هجری قمری و در پایان‌های روزگار پادشاهی علاء الدوله سلطان مسعود بن ابراهیم بن مسعود بن محمود بن سبکتکین و دوران وزارت خواجه بزرگ، ابو نصر عبد الحمید شیرازی بوده است. " (قویم الدوله، ۱۳۳۶: ۴۸۴) اگر چه گفته اند: "هیچ بعید نیست که دو شاعر همزمان که اهل دو شهر نزدیک به هم باشند در بسیاری از معانی با یکدیگر اتفاق پیدا کنند." (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۵). ابو هلال عسکری نیز می‌گوید: "چون قومی از یک قبیله و یک سرزمین باشند، خاطره‌ها و یادهاشان نزدیک به هم خواهد بود؛ همان گونه که سیما و اخلاق ایشان نیز نزدیک به هم خواهد بود" (۱۳۷۱: ۲۳۱).

برای جلوگیری از اطاله کلام، به آوردن چند نمونه از انواع استقبال و تأثیرپذیری جبلی از سنایی اکتفا می‌کنیم:

۱- غزلی که جبلی وزن، قافیه، ردیف و بعضی از ترکیبات و ساختار آن را از سنایی گرفته است:

سنایی:

جادوان خدمت کنند آن چشم رنگ آمیز را زنگیان سجده برند آن زلف جان آویز را

(سنایی، ۱۳۴۱: ۷۹۳)

در نسخه مصفا "چشم سحر آمیز" آمده است. (سنایی، ۱۳۳۶: ۳۶۷)

جبلی:

ای به عمدا سر بریده زلف شورانگیز را وی ز شوخی مایه داده چشم رنگ آمیز را

تا به بد سازی و طنازی اجازت داده‌ای آن لب مرجان نما و زلف جان آویز را

(جبلی، ۱۳۷۸: ۴۹۷)

دو ترکیب "چشم رنگ آمیز" و "زلف جان آویز" در دیوان سنایی، مسبق به سابقه‌اند و

رد پای آنها را می‌توان علاوه بر این غزل، در دو غزل دیگر سنایی نیز جست:

عاجزم با چشم رنگ آمیز او گر چه از صد گونه رنگ آمیختم

(سنایی، ۱۳۴۱: ۹۲۳؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۴۶۹)

هر زمان در زلف جان آویز او گر بنگری خون خلقی تازه یابی در خم هر تاره ای

(همان: ۱۰۱۵؛ همان: ۵۳۷)

تصاویر و ترکیب‌های بالا در جستجوهای صورت گرفته در دیوان‌های شعرای قبل از سنایی و معاصران وی از جمله جبلی دیده نشده است؛ وجود این ترکیب‌ها را، که بیش از یک بار در دیوان سنایی یافت شده‌اند، می‌توان ساخته ذهن سنایی دانست که قبل از جبلی از آنها استفاده کرده است.

سنایی:

شربت وصل تو ماند نوبهار تازه را ضربت هجر تو ماند ذوالفقار تیز را

(همان: ۷۹۳؛ همان: ۳۶۷)

جبلی:

چهره خوب تو ماند نوبهار تازه را غمزه شوخ تو ماند ذوالفقار تیز را

(جبلی، ۱۳۷۸: ۴۹۷)

جبلی غزلی دارد با مطلع:

گر تو پنداری که عیشم بی تو ناخوش نیست هست یا دلم مشتاق آن رخسار مهوش نیست هست
(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۰۹)

که در آن نیز از ساختار و ردیف به کار رفته در سه غزل سنایی استفاده کرده است.

گر تو پنداری که جز تو غمگسارم نیست هست و چنان دانی که جز تو خواستگارم نیست هست
گر تو پنداری تو را لطف خدایی نیست هست بر سر خوبان عالم پادشاهی نیست هست
کار تو پیوسته آزار است گویی نیست هست ز این سبب کار دلم زار است گویی نیست هست
(سنایی، ۱۳۳۶: ۳۸۴ - ۳۸۶)

جبلی در غزل زیر با مطلع:

اندر همه عالم چو تو ناباک نباشد و اندر همه گیتی چو تو چالاک نباشد

(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۱۸)

در وزن و قافیه و ردیف از غزل زیر تأثیر پذیرفته است:

معشوقه که او چابک و چالاک نباشد آرام دل عاشق غمناک نباشد

(سنایی، ۱۳۴۱: ۸۵۶؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۴۱۶)

۲-۱: جبلی در بعضی از غزل‌های خود علاوه بر استقبال و استفاده از اشعار سنایی، ضمن حذف تخلص سنایی از بیت، آن بیت را با تغییراتی اندک به نام خود ثبت کرده است؛ یعنی در این ابیات، نه تنها نمی‌توان قرینه‌ای برای استقبال بدون شائبه دزدی یافت، بلکه حذف تخلص سنایی را می‌توان بهترین قرینه برای سرقت ادبی در این ابیات ذکر کرد. او در غزلی که تقریباً تمام قوافی و عبارات و ساختار غزل سنایی را گرفته، بیت آخر و تخلص سنایی را با زیرکی تغییر داده است:

بیت ۸ سنایی:

دایه تو حسن توست می‌بردت چپ و راست سایه تو عشق ماست می‌دودت پیش و پس

بیت آخر سنایی:

انس سنایی بس است خاک سر کوی تو نور رخ مصطفی بس بود انس انس
(سنایی، ۱۳۴۱: ۹۰۲؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۴۴۷)

بیت ۴ جبلی:

هست ز دلدادگان کوی تو پر چپ و راست هست پر افتادگان راه تو از پیش و پس

بیت آخر جبلی:

نرگس جماش توست عاقله جان جان لعل شکر پاش توست مایه انس انس
(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۳۶)

جبلی، در غزل زیر نیز همانند قطعه بالا حذف تخلص کرده و با تغییر کلمات این سرقت را پنهان کرده است:

سنایی:

سنایی را خریدستی دل و جان اگر صد جان دهندت باز مفروش

(سنایی، ۱۳۴۱: ۹۰۹؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۴۵۳)

جبلی:

آن را که بود شیفته چهر تو مگذار وان را که بود سوخته مهر تو مفروش

(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۴۱)

۳-۱: جبلی گاهی در استقبال از اشعار سنایی ابیات یا مصراع‌هایی از او را عیناً در اشعار خود به کار برده است، اما قرینه‌ای ذکر نکرده که مخاطب بداند این مصراع‌ها از آن شاعری دیگر است: سنایی:

بسیار جفاهاست رسیده است به رویم
المتته لله که تو را در دسری نیست
خصم به بدی گفتن من لب چه گشاید
من بنده مقررم که خود از من بتری نیست
(سنایی، ۱۳۴۱: ۸۳۱؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۳۹۱)

جبلی:

گر چند رسید از تو بلاها به سر من
المتته لله که تو را در دسری نیست
خصم تو به بد گفتن من لب چه گشاید
من بنده مقررم که خود از من بتری نیست
(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۱۰)

سه نمونه بالا به این دلیل که تصرف کامل نبود در دسته دوم یا سوم جای داده نشده است، اما آنها را می‌توان در قیاس با دیگر مثال‌های دسته اول سرقت ادبی دانست. حتی می‌توان آنها را طبق تعریف شمس قیس رازی مصداق انتحال دانست؛ زیرا در نمونه (۴ و ۵) حذف تخلص و در مثال (۶) آوردن بیتی بیگانه در میان ابیات را بدون قرینه شاهدیم. شمس قیس رازی در تعریف انتحال می‌گوید: "سخن دیگری بر خویشتن بستن است و آن چنان باشد کی کسی شعر دیگری را مکابره بگیرد و شعر خویش سازد بی تغییری و تصرفی در لفظ و معنی آن یا به تصرفی اندک (چنان که) بیتی بیگانه به میان آن درآرد یا تخلص بگرداند" (قیس رازی، ۱۳۳۸: ۶۶۴).

معزی گفته:

گر چه به جفا دست برآوردستی
بر دارم دست تا فرود آری دست
و رافعی از او برده:
ز این بس به خدای صنم عشوه برست
بر دارم دست تا فرود آری دست
و همچنین معزی گفته:
تواتر حرکاتش به دیده دشمن
همان کند که زمرد به دیده افعی

ادیب صابر از او برده:

بسه صبر من صنما آن لب چو بسد تو همان کند کی زمرد به دیدۀ افعی
(همان : ۴۶۷ و ۴۶۸)

شمس قیس رازی حتی تصرف یک مصراع را نیز مصداق انتحال دانسته است. در یادداشت‌ها فهرست کامل موارد استقبال جبلی از دیوان سنایی به همراه فهرست اشعار سنایی که مورد استقبال جبلی واقع شده، ذکر شده است.^(۱)

۲- تصرف کامل اشعار سنایی

۱۱ غزل در دیوان جبلی موجود است که وی آنها را به صورت کامل از دیوان سنایی سرقت کرده است که یک مورد آن همراه با حذف تخلص است. فهرست کامل اشعاری که جبلی از دیوان سنایی تصرف کرده به همراه فهرست اشعار سرقت شده از سنایی در یادداشت‌ها موجود است.^(۲) در این موارد، جبلی تمام شعر سنایی را اغاره و انتحال می‌کند که به آوردن نمونه‌هایی اکتفا می‌شود:

۱-۲ (انتحال): غزلی از سنایی (سنایی، ۱۳۴۱: ۹۲۳، سنایی، ۱۳۳۶: ۴۶۹) موجود است که بدون هیچ تغییری به تصرف جبلی درآمده است با مطلع:

الای ساقی دلبر مدار از می تهی دستم که من دل را دگر باره به دام عشق در بستم
(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۵۱)

همچنین عبدالواسع جبلی اشعاری را از دیوان سنایی سرقت کرده و با اندک تغییر در لفظ، شعر سنایی را اغاره کرده است:

۲-۲ (اغاره): جبلی غزلی ۵ بیتی دارد (جبلی، ۱۳۷۸: ۵۱۵) که در دیوان سنایی نیز آمده است (سنایی، ۱۳۴۱: ۸۶۰)؛ تغییرات آن قدر اندک هستند که در ساختمان کلی غزل به چشم نمی‌آیند؛ مثلاً در بیت آخر سنایی گفته:

در وقت ملاحظت ز بی فتنه و آشوب در کام لب تو شکر و نوش نهادند
(سنایی، ۱۳۴۱: ۸۶۰)

جبلی تنها "ملاحت" را به "مزاحت" و "کام" را به "لعل" بدل کرده است؛ اشتباه نساخ در تبدیل "کام" به "لعل" بسیار بعید می‌نماید.

۲-۳- (اغاره): در دیوان جبلی غزل ۶ بیت دیگری با مطلع زیر آمده که کاملاً از غزل سنایی گرفته شده است (سنایی، ۱۳۴۱: ۷۹۸؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۳۷۱):

من کی ام کاندیشه تو هم نفس باشد مرا یا تمنای وصال چون تو کس باشد مرا
(جبلی، ۱۳۷۸: ۴۹۱)

تنها تفاوتی که جبلی در غزل سنایی ایجاد کرده تغییر جای ابیات ۳ و ۴ و عوض کردن دو، سه واژه مانند: تبدیل "او" به "وی" در بیت سوم سنایی است.

۲-۴: در غزلی دیگر که از نوع اغاره است، برای مثال بیت ۴ در دو غزل سنایی و جبلی این گونه آمده است:

بر نشاط خرمی یک دم بزن وقف کن ایام و ساعات ای پسر
(سنایی، ۱۳۴۱: ۸۹۱)

بر نشاط و خرمی از میکده وقف کن ایام و ساعات ای پسر
(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۳۱)

در این گونه موارد نیز مصراع روشن‌تر از آن است که ناسخی آن را اشتباه نوشته باشد؛ چرا که تغییرات و کلماتی که جبلی در شعر سنایی وارد می‌کند بسیار واضح هستند. موارد دیگر، همانند مثال‌های بالا هستند که به دلیل اطالۀ کلام از آوردن آن‌ها خودداری می‌شود.

۳- حذف تخلص سنایی و تصرف قطعه به سود خود

در دیوان جبلی اشعاری یافت می‌شود که مصداق بارزی برای سرقت ادبی هستند؛ به طوری که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را اشتباه ناسخان به شمار آورد. در این موارد سعی جبلی بر آن بوده است تا شعری از سنایی را با حذف تخلص شاعری او و برگردان ضمائر و تغییر آن بیت در جهت استفاده مطلوب خویش از آن خود کند. این موارد را می‌توان انتحالات جبلی دانست.

در ۱۰ شعر حذف تخلص، انتقال و اغاره یافت شد که عبارتند از: یک قصیده (جبللی، ۱۳۷۸: ۱۳ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۴۸ و سنایی، ۱۳۳۶: ۲۴)، یک مسمط (جبللی، ۱۳۷۸: ۶۴۰ و ۶۴۱ برگرفته از سنایی، ۱۳۳۶: ۶۶۰)، یک ترکیب بند (جبللی، ۱۳۷۸: ۴۷۷ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۰۱ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۷۳) و ۷ غزل.

فهرست کامل اشعاری که جبللی با حذف تخلص و گاه تغییر ضمائر از دیوان سنایی تصرف کرده، به همراه فهرست اشعار سرقت شده از سنایی، در یادداشت‌ها آمده است^(۳) که به چند نمونه از آنها می‌پردازیم:

۳-۱: قصیده‌ای مشهور در دیوان دو شاعر موجود است که در طی قرون و حتی دوران معاصر، پژوهشگران درباره‌ی صاحب آن قصیده اختلاف نظر داشته‌اند؛ بعضی با دلایلی که ارائه داده‌اند سنایی و گروهی نیز جبللی را سراینده‌ی آن بر شمرده‌اند؛ گفته شد که فروزانفر بعد از شرح حال جبللی در سخن و سخنوران قصیده‌ای از او آورده است که به زعم نگارندگان مشکوک است. محیط طباطبایی نیز در مقاله "این قصیده از کیست" با ذکر دلایل مختلف از جمله مقایسه‌ی محتوای رساله‌ی سیزدهم از مجموعه‌ی عربی *التحفة البهیه و الطرفه الشهبیه* با نسخه‌ی چاپی قصیده‌ی مزبور می‌گوید: "برای نگارنده اطمینان حاصل شد که قصیده‌ی مزبور از گفته‌ی عبدالواسع است و ابدأً به سنایی ارتباطی ندارد." (محیط طباطبایی، ۱۳۳۹: ۳۴) به نقل از یاحقی و ایزانلو، ۱۳۸۵: ۱۵۵). در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان "سبک سنجی، نقد و بررسی شیوه آماری کیوسام در انتساب یک اثر" (یاحقی، ایزانلو، ۱۳۸۵: ۱) نیز سعی بر این شده تا با استفاده از شیوه آماری کیوسام، قصیده‌ی مزبور را به یکی از دو شاعر منتسب کنند که در نهایت این شیوه آماری جواب نداده و تا پایان مقاله انتساب اثر به سنایی یا جبللی مشخص نمی‌شود.

این قصیده در دیوان جبللی، ۴۹ بیت (جبللی، ۱۳۷۸: ۱۳) و در دیوان سنایی، به تصحیح مدرس رضوی (سنایی، ۱۳۴۱: ۴۸) و مظاهر مصفا ۴۷ بیت دارد (سنایی، ۱۳۳۶: ۲۴)؛ مصفا با دلایلی که ارائه کرده آن قصیده را به احتمال نزدیک به یقین از سنایی دانسته، بر خلاف مدرس رضوی که آن را از جبللی دانسته است.

دلایل مصفا مبنی بر این که قصیده از سنایی است عبارتند از:

الف) شیوه و سبک قصیده از حیث بیان و معنا و... چون قصاید دیگر سنایی است.

ب) سادگی و پیراستگی قصیده از تکلف و صنایع ادبی؛ چرا که جبلی به تکلف و صنعت گرایش دارد.
 ج) گوینده قصیده کسی است که مدتی در سرخس بوده و از مردمان آن دیار رنجیده است؛ سنایی نیز مدتی را در سرخس گذرانده و از مردم آن دیار رنجیده خاطر بوده است.
 د) در بیت ۳۸ قصیده سنایی تخلص او آمده است (سنایی، ۱۳۳۶: ۸۴۰).
 دلایل مدرس رضوی مبنی بر این که قصیده از جبلی است عبارتند از:
 الف) این قصیده در بیشتر نسخ *دیوان* جبلی آمده است و برخلاف آن در اکثر نسخ سنایی مشاهده نشده است و فقط به این دلیل که آن را در نسخه قدیمی کتابخانه ملی ملک دیده، آن را در تصحیح خود بر *دیوان* سنایی لحاظ کرده است.

ب) مدرس رضوی برخلاف مصفا سبک و اسلوب قصیده را از آن سنایی نمی‌داند (سنایی، ۱۳۴۱: ۴۸) به نظر نگارندگان، نظر مظاهر مصفا در قیاس با مدرس محکم‌تر می‌نماید و می‌توان قصیده را از آن سنایی دانست، اما موردی که هیچ کدام از محققین نامبرده که به بررسی قصیده "منسوخ شد مروت و..." پرداخته‌اند به آن توجهی نکرده‌اند این است که، شاید جبلی عامدانه و آگاهانه قصیده را از *دیوان* سنایی گرفته و در *دیوان* خود جای داده است. با دلایلی که ارائه می‌شود می‌توان محملی برای این فرضیه قائل شد:

الف) در دسته بندی سرقات ادبی جبلی نشان دادیم که جبلی هم به *دیوان* سنایی نظر داشته و به استقبال بسیاری از اشعار او رفته است و هم بسیاری از آنها را به صورت کامل و گاه با اندک تغییری در *دیوان* خود جای داده است که مصادیقی از سرقت ادبی بودند و این قصیده تنها موردی نیست که در *دیوان* دو شاعر یکسان یافت می‌شود.

ب) در تقسیم بندی سوم، با آوردن مثال‌هایی، عامدانه و آگاهانه بودن سرقت ادبی جبلی از سنایی را نشان خواهیم داد؛ چرا که در بیشتر آنها بیت تخلص حذف شده است و نمی‌توان تمام آنها را اتفاقی و یا اشتباه نساخ دانست.

در قصیده مزبور تا قبل از بیت ۳۸ که سنایی تخلص خود را به کار برده است، تقریباً ابیات به کار رفته در *دیوان* سنایی و جبلی یکی است (فقط دو بیت در سنایی بیشتر آمده است)؛ اما در همین بیت

۳۸، که در قصیدهٔ جبلی بیت ۴۰ است، جبلی آگاهانه و عامدانه و با زیرکی تخلص سنایی را حذف کرده و بیت را به این صورت در آورده است:

بیت ۳۸ سنایی:

شد گفتهٔ سنایی چون کعبه نزد خلق
ز این بیشتر فضول که یابد ز ابتدا
(سنایی، ۱۳۴۱: ۴۸؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۲۴)

بیت ۴۰ جبلی:

با این همه مرا گله‌ای نیست ز این قبل
ز این بیشتر قبول که یابد به ابتدا
(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۳۱)

تصرف جبلی در قصیدهٔ سنایی به همین جا ختم نمی‌شود؛ بعد از بیت بالا در هر دو دیوان ۹ بیت موجود است که دو بیت آن در سنایی و دو بیت آن در جبلی نیست؛ سنایی در بیت ۳۸ قصیدهٔ خود که تخلصش را به کار برده، در تمامی ابیات بعد که ادامهٔ سخن اوست، از ضمائر مفعولی غایب استفاده کرده است؛ یعنی بعد از تخلص "سنایی" که مخاطب واقع شده، ۸ بار از ضمیر "او"، ۱ بار از "وی" و ۱ بار از ضمیر متصل "ش" استفاده شده است که جبلی تمامی آن‌ها را به ضمیر منفصل "من" بدل کرده است؛^(۴) تغییرات دیگر محدود به تغییر بعضی کلمات و حروف است. چون: تبدیل "کلک" به "لفظ"، "سوی" به "بر" و "تا" به "با" است.

شد گفتهٔ سنایی چون کعبه نزد خلق
با این همه مرا گله‌ای نیست ز این قبل
تا کلک او به گاه فصاحت بود روان
تا لفظ من به گاه فصاحت بود روان
بعد از بیت بالا دو بیت در قصیدهٔ جبلی آمده که در قصیدهٔ سنایی نیست.^(۵)

آنکه به کام او نفسی بر نیاورند
وآنکه به کام من نفسی بر نیاورند
آزار او کشند به عمدا به خویشتن
آزار من کشند به عمدا به خویشتن
در دوستی کجا بود این قاعده روا
در دوستی کجا بود این قاعده روا
زان سان که که کشد به سوی خویش کهربا
زان سان که که کشد به بر خویش کهربا

در فضل او کنند به هر موضعی حسد بر نقص او دهند ز هر جانبی رضا
 در فضل من کنند به هر موضعی حسد در نقص من دهند ز هر جانبی رضا
 بعد از بیت بالا دو بیت دیگر در دیوان سنایی آمده که در قصیدهٔ جبلی موجود نیست، شاید به
 این دلیل که در این دو بیت ضمیری که جبلی بتواند آن را مصادره کند وجود نداشته، آنها را مورد
 استفاده قرار نداده است:

عاقل که این شنید بداند حقیقتی کاین حرف دشمنان و حسودان بی نوا
 چون جوهر سخا شد نزدیک اهل بخل چون عنصری ز ظلمت در جنب صد ضیا
 و بعد از دو بیت بالا شیوهٔ خود را ادامه می‌دهد:

تا ناصحان او نگسالند جز نفاق تا دشمنان او نمایند خود صفا
 با ناصحان من نگسالند جز نفاق با حاسدان من نمایند جز صفا
 ورافند ورا به همه عمر حاجتی بی حاجتی کنند همه صحبتش رها
 ورافند مرا به همه عمر حاجتی بی حاجتی کنند همه صحبتتم رها
 در بیت آخر نیز همهٔ هنر جبلی جا به جایی کلمات سنایی است:
 مرد آن بود که دوستی او بود به جای ما بست الجبال و ما انشقت السما
 مرد آن بود که روی نتابد ز دوستی لو بست الجبال او انشقت السما

۲-۳: جبلی غزلی ۶ بیتی را که در دیوان سنایی ۷ بیت دارد، با جا به جایی بعضی ابیات، بدون
 تغییر در آنها و عوض کردن بعضی از کلمات و همچنین حذف تخلص سنایی از غزل، به نام خود در
 دیوانش ثبت کرده است. بیت ۶ که تخلص سنایی را در خود جای داده به این صورت آمده است:

ای رفته ز نزدیک سنایی خیرت هست کز عشق تو حال من دل سوخته چون است
 (سنایی، ۱۳۴۱: ۳۸۳؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۸۱۸)

و جبلی آن را به شکل زیر در آورده است:

ای ساخته تدبیر جدایی خیرت هست کز عشق تو حال من دل سوخته چون است
 (جبلی، ۱۳۷۸: ۵۰۵)

مصراع حاوی تخلص "سنایی" تغییر داده شده و مصراع بعدی به همان شکل که در غزل سنایی آمده، باقی مانده است.

۳-۳: جبلی غزلی دیگر را نیز، تنها با تغییراتی جزئی چون: آوردن "شکار" به جای "شمار" در بیت اول و "یار" به جای "میل" در بیت چهارم و با حذف تخلص "سنایی"، انتقال کرده است:

بر سنایی ز دهر بیداد است تو کنون طبع روزگار مگیر

(سنایی، ۱۳۴۱: ۸۹۸؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۴۴۵)

بر من از روزگار بیداد است تو کنون طبع روزگار مگیر

(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۲۹)

۳-۴: جبلی غزلی ۱۰ بیتی دارد که برگرفته از غزل ۹ بیتی سنایی است. او تقریباً ۶ بیت اول را بی کم و کاست از سنایی گرفته، اما در ابیات بعدی، همانند قصیده‌ای که در بالا ذکر شد، علاوه بر حذف تخلص سنایی از شعر در بیت ۷ وی، با تغییر آن مصراع، مراجع ضمیر سنایی را از "او" به "من" تغییر داده است؛ همچنین تغییر بیت ۸ سنایی در غزل جبلی فقط محدود به جا به جا کردن دو کلمه "بود" و "دوش" است. در بیت ۹ نیز جبلی با همان ترفند جا به جایی کلمات، مصراع اول از بیت ۹ سنایی را که در آن کلمه به کار رفته است، بی کم و کاست و مصراع بعد را با تعویض ضمائر سرقت کرده است:

گیرم که سنایی از غمت مرد باری سخنش به طبع بنیوش

بی روی تو بود دوش تا صبح از ناله او جهان پر از جوش

یا رب شب کس مباد هرگز ز این گونه که او گذاشت شب دوش

(سنایی، ۱۳۳۶: ۴۵۶)

گیرم بدهی جواب من خوش باری سخنم به طبع بنیوش

بی روی تو دوش بود تا صبح از ناله من جهان پر از جوش

هرگز شب کس مباد یارب ز این گونه که من گذاشتم دوش

(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۴۰)

۳-۵: سنایی غزلی ۶ بیتی دارد که در بیت ۶ آن تخلص خود را آورده است:

پیوسته سنایی ز بی دیدن رویت هم گوش به در کرده و هم دیده نهاده

(سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۰۹؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۵۳۲)

جبلی (جبلی، ۱۳۷۸: ۵۷۷) با آوردن ۵ بیت از این غزل در غزل ۷ بیتی خود و حذف بیت ۶ آن، تخلص سنایی، بار دیگر شعری از سنایی را انتحال کرده است.

۶-۳: جبلی در تصرفی دیگر همانند غزل بالا تمام ابیات غزل سنایی را در غزل خود استفاده کرده و بیت آخر را که حاوی تخلص سنایی است تغییر داده است:

بیداد مکن کز تو پسندیده نباشد زیرا که تو بس خوبی چون شعر سنایی

(سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۱۸؛ سنایی، ۱۳۳۶: ۵۳۸)

بیداد مکن کز تو پسندیده نباشد زیرا که تو خدمتگر تاج الامرای

(جبلی، ۱۳۷۸: ۵۸۴)

نتیجه

همان گونه که نشان داده شد عبدالواسع جبلی، شاعر هم‌دوره سنایی، با پیش چشم داشتن دیوان وی، بسیاری از قطعات شعری او را در قالب‌های مختلف سرقت کرده و به تصرف خویش در آورده است. ترکیب‌های مخصوص سنایی که در دیوان او تکرار شده اند، بسامد بالای اشعار تکراری، حذف تخلص سنایی از شعر و تبدیل و تغییر ضمائر از جمله مواردی است که ظن اشتباه ناسخین را برطرف می‌کند. انتحالات و اغارات، که بارزترین انواع سرقت ادبی هستند، به وفور در دیوان جبلی یافت می‌شود و در این مقاله در دسته بندی سه‌گانه‌ای به همراه مثال‌هایی از دو دیوان جبلی و سنایی، چه به صورت اقتباس ردیف و قافیه، ترکیبات و مضامین شعری، چه با تصرف کامل قطعه و چه به صورت حذف تخلص سنایی از شعر به آن پرداختیم.

در دیوان جبلی ۱۵۲ غزل موجود است؛ ۱۳ مورد آن استقبال از اشعار سنایی است که در سه مورد حذف تخلص سنایی صورت گرفته است و می‌توان آنها را همچون گروه دوم و سوم در زمره سرقات ادبی قرار داد؛ ۱۱ مورد آن تصرف کامل (همراه با ۱ مورد حذف تخلص سنایی) و ۷ مورد حذف تخلص و برداشتن غزل به سود خود است، که ۳ مورد آن در گروه اول (اقتباس و تأثیر پذیری) آمده و تکراری

است؛ یعنی جلی ۱۸ مورد از ۱۵۲ غزل موجود در دیوان خود را از دیوان سنایی تصرف، انتقال و اغاره کرده است؛ همچنین دیوان او ۱۴۹ قصیده دارد که یک قصیده استقبال شده و یک قصیده همراه با حذف تخلص انتقال شده است؛ از ۵ مورد مسمط، یکی از آنها به همراه یکی از بندهای ترکیب بند دیوان، اغاره و حذف تخلص شده است.

در مجموع در دیوان عبدالواسع جبلی، با احتساب بیشتر قالب های شعری، ۲۱ مورد سرقت ادبی از دیوان سنایی یافت شد؛ اما نکته ای که بعد از بررسی دیوان عبدالواسع جبلی و شعرای متقدم و معاصر او قابل توجه است، تقلیدها، اقتباس های بی قرینه و سرقت هایی است، که نه تنها از شعر سنایی، بلکه از شعرای دیگر نیز در دیوان وی به چشم می خورد که در مقاله ای جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

یادداشت ها

۱- (جلی، ۱۳۷۸: ۲۸ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۵۹ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۳)، (جلی، ۱۳۷۸: ۴۹۷ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۷۹۳ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۳۷)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۰۹ برگرفته از سنایی، ۱۳۳۶: ۳۸۵ و ۳۸۶)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۱۰ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۳۱ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۹۱)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۱۸ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۵۶ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۱۶)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۳۲ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۹۳)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۳۶ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۰۲ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۴۷) (هم تأثیر پذیری و هم حذف تخلص)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۴۱ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۰۹ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۵۳) (هم تأثیر پذیری و هم حذف تخلص)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۵۷ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۴۳ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۸۱)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۶۲ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۸۲)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۶۳ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۷۹۳ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۳۷)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۷۲ و ۵۷۳ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۰۲ و سنایی، ۱۳۳۶: ۵۲۵)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۷۸ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۰۶)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۸۹ برگرفته از سنایی، ۱۳۳۶: ۵۴۶) (هم تأثیر پذیری و هم حذف تخلص).

۲- (جلی، ۱۳۷۸: ۴۹۱ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۷۹۷ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۷۱)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۱۵ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۶۰)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۳۱ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۹۱)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۳۹ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۱۲ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۵۵)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۴۲ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۰۹ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۵۲)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۴۹ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۲۲ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۶۴)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۵۱ و ۵۵۲ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۲۳ و ۹۲۴ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۶۹)، (جلی، ۱۳۷۸: ۵۵۵ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۵۰ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۶۹).

(۴۸۸)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۸۰ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۳۴ و سنایی، ۱۳۳۶: ۵۵۳)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۸۳ و ۵۸۴ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۲۳ و سنایی، ۱۳۳۶: ۵۴۲)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۸۴ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۱۸ و سنایی، ۱۳۳۶: ۵۳۸) (هم تصرف و هم حذف تخلص).

۳- (جلبلی، ۱۳۷۸: ۱۳ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۴۸ و سنایی، ۱۳۳۶: ۲۴)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۰۵ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۱۸ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۸۳)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۲۹ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۹۸ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۴۵)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۳۶ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۰۲ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۴۷)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۴۰ برگرفته از سنایی، ۱۳۳۶: ۴۵۶)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۴۱ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۹۰۹ و سنایی، ۱۳۳۶: ۴۵۳)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۷۷ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۱۰۰۹ و سنایی، ۱۳۳۶: ۵۳۲)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۸۹ برگرفته از سنایی، ۱۳۳۶: ۵۴۶)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۴۷۷ برگرفته از سنایی، ۱۳۴۱: ۸۰۱ و سنایی، ۱۳۳۶: ۳۷۳)، (جلبلی، ۱۳۷۸: ۶۴۰ و ۶۴۱ برگرفته از سنایی، ۱۳۳۶: ۶۶۰).

۴- شواهد و اشعار ارایه شده، قصیده جبلی (جلبلی، ۱۳۷۸: ۵۳۱) و قصیده سنایی (سنایی، ۱۳۴۱: ۴۸ و سنایی، ۱۳۳۶: ۲۴) را مد نظر دارد و از ارجاعات چند باره در ذیل آن‌ها خودداری می‌شود.

۵- لیکن چو صد هزار جفا بینم از کسی ناچار اندکی بنمایم ز مـاجرا

زان است غبن من که گروهی همی کنند با من به دوستی ز همه عالم انـتما

(جلبلی، ۱۳۷۸: ۱۶)

کتابنامه

- آمدی تمیمی، عبدالواحد. (۱۴۱۰). *غررالحکم و دررالکلم*. تصحیح سید مهدی رجایی. قم: دارالکتب الاسلامی.
- ابوهلال عسکری. (۱۳۷۱). *الصناعتین*. تحقیق علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم. مصر.
- امین احمد رازی. *هفت اقلیم*، ج ۲. با تصحیح و تعلیق جواد فاضل. تهران: علمی.
- ایزائلو، علی و یاحقی، محمد جعفر. "سبک سنجی، نقد و بررسی شیوه آماری کیوسام در انتساب یک اثر". *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، س ۱۴، شماره ۵۲ و ۵۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۵). *نقد ادبی و دموکراسی*. چاپ اول. تهران: نیلوفر.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۳۳۰). *المطول*، شرح مفصل تفتازانی بر تلخیص المفتاح خطیب قزوینی. بی جا.
- _____ (۱۳۶۹). *شرح المختصر (شرح مختصر المعانی فی المعانی و البیان و البدیع)*. انتشارات کتبی نجفی. قم: مطبعه غدیر.
- جبلی، عبدالواسع. (۱۳۷۸). کلیات دیوان. به تصحیح ذبیح الله صفا. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.

جرجانی، قاضی حمیدالدین (۱۹۱۵) *الوساطه بین متنبنی و خصومه*. تحقیق و شرح محمد ابوالفضل ابراهیم و البجاوی. مصر.

خطیب دمشقی. (۱۳۳۰). *مطول علی التلخیص*. شارح علامه تفتازانی. محشی سید شریف. مصحح عثمان افندی زاده احمد رفعت. مطبوعه احمد کامل.

سنایی غزنوی، مجدود بن آدم. (۱۳۳۶). *کلیات دیوان*. به تصحیح مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.

_____. (۱۳۴۱). *کلیات دیوان*. به سعی و اهتمام تقی مدرس رضوی. تهران: کتابخانه ابن سینا. شریفی، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ ادبیات فارسی*. چاپ دوم. تهران: معین.

قیس رازی، شمس الدین محمد. (۱۳۳۸). *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. به تصحیح محمد قزوینی، با مقابله و تصحیح محمد تقی مدرس رضوی. تهران: چاپ افست رشیدییه.

_____. (۱۳۸۷). *احادیث و قصص مثنوی*. ترجمه کامل و تصحیح مجدد از حسین داوودی. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.

فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۹). *سخن و سخنوران*. چاپ چهارم. تهران: خوارزمی.

عوفی، محمد. (۱۳۶۱). *تذکره لباب الالباب*. به سعی و اهتمام ادوارد براون. چاپ اول. تهران: فخر رازی.

قویم الدوله. (۱۳۳۶). "عبدالواسع جبلی در غزنین". *مجله ارمنان*. شماره ۱۱. دوره بیست و ششم. صص ۹۴ - ۴۸۴.

گری، مارتین. (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی در زبان انگلیسی*. ترجمه منصوره شریف زاده. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مستوفی، حمد الله. (۱۳۸۷). *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر

مینوی، مجتبی. (۱۳۷۵). *یادداشت‌های مینوی*، ج ۱. به کوشش مهدی قریب و محمد علی بهبودی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

همای، جلال الدین. (۱۳۳۸). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. چاپ ششم. تهران: هما.